

# کلام جدید

جلسه بیست و هفتم: هرمنوتیک - بخش هفتم

استاد احسان عبادی

تایپ و تنظیم:  
محمد جواد اسماعیلی

۱۳۹۸

## در جلسه بیست و هفتم با موضوعات زیر آشنا خواهید

مقدمه

فردریش شلایرماخر پایه‌گذار هرمنوتیک رمانتیک

نظریات شلایرماخر

ویلهم دلتای و نظریات او

نقدهایی به نظریات آقای شلایرماخر و دلتای

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَ  
نَاصِرًا وَدَلِيلًا وَغَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.

السلام عليك يا مولانا يا صاحب العصر و الزمان، السلام عليك يا بقیه الله فی ارضه.

خدایا ، در این لحظه و در تمام لحظات ، سرپرست و نگاهدار و راهبر و یاری گر و راهنما و دیدبان ولیّات ، حضرت  
حجّه بن الحسن ، که درودهای تو بر او و بر پدرانش باد ، باش، تا او را به صورتی که خوشایند اوست ، و همه از او  
فرمانبری می نمایند ، ساکن زمین گردانیده ، و مدّت زمان طولانی در آن بهره مند سازی.

#### مقدمه

بحث هرمنوتیک را ادامه می دهیم که به مباحث خطرناک تر می رسیم. خطرناک ترین نوع هرمنوتیک امروز که در  
فضای جامعه در حال انتشار است هرمنوتیک فلسفی است که هایدگر و گادامر پرچم داران این جریان هستند و  
کسانی هم در داخل مانند آقای سروش و مجتهد شبستری برادر امام جمعه سابق تبریز این مباحث را مطرح می کنند،  
و البته افراد دیگری هم هستند که توضیح خواهیم داد. انشالله هرمنوتیک فلسفی را در جلسه بعد توضیح خواهیم  
داد چون بحث مهمی است.

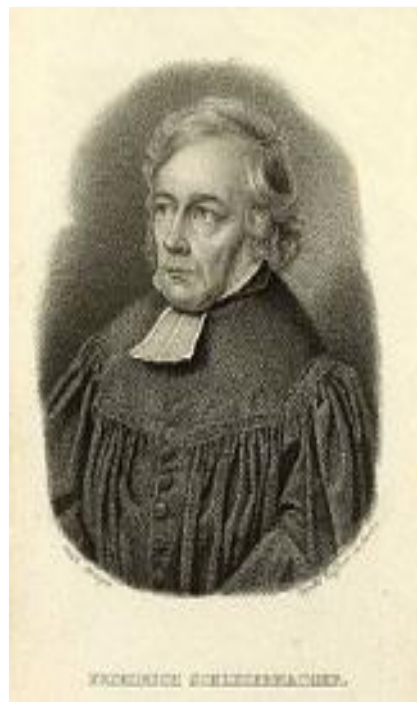
اما هرمنوتیک رمانتیک و کلاسیک را جلسه قبل گفتیم. هرمنوتیک رمانتیک و احساسی در فضایی رشد کرد که  
اروپا عقل گرایی افراطی داشت. اصلا مباحث احساسی را به هیچ عنوان حساب نمی کرد. قطعا این منطق خشک  
نمی توانست برای گروهی کمک ساز باشد.

جناب آقای شلایرماخر هرمنوتیک رمانتیک را پایه گذاری کرد و بعد ویلیهام دلتای این موضوع را بیشتر بسط داد.  
ما باید این دو نفر را بهتر بشناسیم. عرض کردیم هم آقای دلتای و هم شلایرماخر حرف خوبی زدند و گفتند ما اگر  
می خواهیم تاثیرگذار و خوب بتوانیم یک متن را تفسیر کنیم باید بتوانیم خودمان را جای مولف قرار دهیم و خودمان  
را در تاریخی ببریم که مولف هست و بتوانیم او را درک کنیم. بتوانیم ببینیم در چه فضایی، در چه روزگاری و در چه  
تاریخی این حرف را زد و بعد بتوانیم تفسیر کنیم.

ما هم با این حرف موافق هستیم و تایید می کنیم و البته نقدهایی هست که خواهیم گفت. به خاطر تاثیرگذاری آقای  
شلایرماخر و دلتای در هرمنوتیک روان شناختی یا همان رمانتیک، ما مقداری افکار آن ها را بشناسیم بهتر است.

## فردریش شلایرماخر پایه‌گذار هرمنوتیک رمانتیک

زاده	۲۱ نوامبر ۱۷۶۸
درگذشته	۱۲ فوریه ۱۸۳۴ (۶۵ سال) برلین، Brandenburg، پادشاهی پروس
دوره	عصر روشنگری/فلسفه سده نوزدهم
منطقه	فلسفه غربی
مکتب	ایدئالیسم آلمانی Jena Romanticism Berlin Romanticism هرمنوتیک هرمنوتیک
مهمترین علاقه	الهیات، روان‌شناسی، عهد جدید exegesis، فلسفه اخلاق (both philosophic and Christian)، جزم‌اندیشی، tic and الهیات عملی، دیالکتیک (منطق و متافیزیک)، سیاست
ایده‌های اصلی	هرمنوتیک به عنوان دور هرمنوتیک
سازمان	دانشگاه هاله-ویتنبرگ (1804-07) دانشگاه هومبولت برلین (1810-1834)
مناظر از	[نمایش]
اثرگذار بر	[نمایش]
دانشگاه	دانشگاه هاله-ویتنبرگ (1787-90)



شلایرماخر متولد ۱۷۶۸ میلادی و متوفی ۱۸۳۴ میلادی است. یعنی قرن هجدهم به دنیا آمد و در قرن نوزدهم هم از دنیا رفت. او اهل آلمان بود. مباحث مربوط به علم کلام را دنبال می‌کرد. پدر او که یک کشیش متعصب و مسیحی بود او را وارد دستگاه کلیسا کرد. پدرش به او توصیه کرد که افکار امانوئل کانت را بخواند. امانوئل کانت یکی از فیلسوفان آن زمان بود.

شلایرماخر وقتی افکار کانت را خواند به برخی از مبانی مسیحیت به دیده انکار و تردید نگاه کرد. در بیست سالگی نامه‌ای را به پدرش نوشت و ابراز کرد که من به برخی از مبانی مسیحیت شک و تردید دارم. مبانی مانند الوهیت حضرت عیسی که شما چطور می‌گویید حضرت عیسی خداست.

قطعا کسی که فکرش را به کار بیندازد منکر این قضیه است که چطور حضرت عیسی می‌تواند خدا باشد. شلایرماخر به این قضیه رسید و ما هم قبلا عرض کردیم یکی از دلایل تشکیل مبانی هرمنوتیک همین بود که برخی از متون کتاب مقدس به هیچ عنوان قابل فهم نبودند. مانند همین مبحث الوهیت حضرت عیسی، یا مبانی دیگری مانند فدا شدن حضرت عیسی برای گناهان امت. یعنی حضرت عیسی با آن همه سختی توسط یهودی‌ها به صلیب کشیده

شد و کشته شد، اما مردم راحت باشند و کفاره گناهانشان را هم حضرت عیسی داد. آقای شلایرماخر به این امر هم با دیده تردید نگاه کرد.

این نامه را که برای پدرش نوشت، پدرش او را از شمار مسیحی‌ها خارج کرد و با او قطع رابطه کرد. هرچند می‌گویند بعد کسی آمد وساطت کرد و دوباره وارد دستگاه کلیسا شد.

مجموعه آثار آقای شلایرماخر بعد از مرگش چاپ شد که تقریباً سی جلد بود که یک سوم کتاب‌های ایشان مباحث موعظه بود، یک سوم مباحث الهیات و یک سوم مباحث فلسفی بود. مهمترین کتاب او ایمان مسیحی است که برداشت جدیدی از مسیحیت است.

آقای شلایرماخر کتاب مستقلی در رابطه با علم تاویل یا هرمنوتیک ننوشت. بلکه یادداشت‌های او را برخی از شاگردان او جمع‌آوری کردند و به شکل کتاب درآوردند. به همین خاطر باید روی آن بحث باشد آیا آن چیزهایی که امروز به نام شلایرماخر مطرح است نظر خودش است یا شاگردانش.

شلایرماخر علاقه خاصی هم به افلاطون داشت و کتاب‌های افلاطون فیلسوف معروف را هم زیاد می‌خواند.

## نظریات شلایرماخر

۱- شلایرماخر ادعا می‌کرد بهترین معیار برای فهم متن، زبان مشترک بین مولف و مخاطب است.

یعنی شما بتوانید با یک دستور زبان و قواعد زبانی مشترک، حرف‌های جناب مولف را بفهمید. برخی از کلمات در زمان ما یک معنایی دارد و در زمان مولف ممکن است معنای دیگری داشته باشد. برای مثال ما امروز به یک بچه مدرسه‌ای هم محصل می‌گوییم. اما در زمان‌های سیصد یا چهارصد قبل به کسی در حد آیت‌الله بود محصل می‌گفتند. پس می‌بینید کلمات تفاوت دارد. شلایرماخر می‌گوید این اشتراک زبانی باید صورت بگیرد و بعد بتوانیم متن را بفهمیم.

۲- هر واژه‌ای که در متن آمده باید با توجه به بستری که در آن رشد پیدا کرد فهمیده شود.

یعنی این کلمه در آن زمان چه معنایی داشت. به همین خاطر است که ما امروز می‌گوییم مثلاً اگر بخواهید قرآن را بفهمید بهترین راه برای فهم برخی از کلمات قرآن که یک مقدار سخت است، رجوع به فرهنگ لغاتی مانند فرهنگ لغت العین است. تاج العروس، مجمع البحرین و امثالهم، یعنی مجموعه فرهنگ لغاتی که مربوط به زمان قدیم هستند

یا به صورت زمان قدیم نوشته شدند و متعلق به همان قبایل اصیل عرب هستند و آن‌ها بهتر می‌توانند تشخیص دهند تا این‌که برخی‌ها امروز یک فرهنگ لغتی را بنویسند. باید ببینیم در آن بستر زمانی آن کلمه چه معنایی داشت.

۳- فهم متن پس از شناخت مولف کامل می‌شود.

شما وقتی می‌توانید متن را کامل بفهمید که مولف را کامل بفهمید و بشناسید. سیره زندگی و مبانی فکری او را بفهمید. مطالبی که خوانده بود و نظرات و دیدگاه‌هایی را که داشت آن‌ها را باید بفهمید تا بتوانید متن را تفسیر کنید.

### ویلهلم دلتای و نظریات او

	
<b>شناسنامه</b>	
<b>حیطه</b>	مورخ، جامعه‌شناس، روان‌شناس و فیلسوف
<b>دوره</b>	فلسفه غربی
<b>مکتب</b>	هرمنوتیک
<b>زادروز</b>	۱۹ نوامبر ۱۸۳۳
<b>زادگاه</b>	ویسبادن-بیریک، کنفدراسیون آلمان
<b>تاریخ مرگ</b>	۱ اکتبر ۱۹۱۱ (۷۷ سال)
<b>محل مرگ</b>	Seis am Schlern، اتریش-مجارستان

ویلهلم دلتای فیلسوف آلمانی در سال ۱۸۳۳ به دنیا آمد و در سال ۱۹۱۱ هم از دنیا رفت. یعنی در قرن نوزدهم و بیستم زندگی می‌کرد. شدیداً متأثر از آقای شلایرماخر بود، به طوری که می‌گویند اگر آقای دلتای نبود شلایرماخر هم خیلی به جهانیان معرفی نمی‌شد و آثار او خیلی در دسترس قرار نمی‌گرفت.

۱- مفسر باید هم‌عصر مولف شود تا او را درک کند.

یعنی خودتان را باید به عصر مولف ببرید. ببینید آقای مولف در این زمان و در این روزگار این حرف را زد. پس یک معنای خاصی دارد و شاید به درد روزگار الان نخورد. از احادیث خودمان مثال می‌زنیم. به امیرالمومنین گفتند مگر پیامبر نفرمود ریش‌هایتان را رنگ کنید. پس چرا شما رنگ نمی‌کنید؟ امیرالمومنین فرمود این امر متعلق به زمانی بود که سپاه اسلام نیروی کمی داشت. برخی از نیروهای ما پیرمرد بودند. پیامبر گفت ریش‌هایتان را رنگ کنید تا سپاه دشمن نفهمد شما پیر هستید و نیروی اسلام ضعیف است. الان نیروی اسلام زیاد شده است.

پس برخی روایت متعلق به زمان و مکان خاصی است. اصلاً یکی از مبانی فهم روایت همین است. این‌جا ما حرف آقای دلتای را می‌پذیریم. عرض کردیم با هرمنوتیک رومانتیک که الان شلایرماخر و دلتای پایه‌گذار آن بودند خیلی مشکل آن‌چنانی نداریم. هرمنوتیک رمانتیک مبانی که دارد ما تقریباً می‌پذیریم و ما هم می‌گوییم مثلاً شما وقتی می‌خواهید مبانی شیخ طوسی را نقد کنید باید خودتان را به عصر شیخ طوسی را ببرید. باید دیدگاه‌های ایشان را بفهمید تا ایشان را نقد کنید.

۲- نمی‌توانیم با ویژگی‌های تاریخ عصر خودمان به فهم و تفسیر متن مولف برویم.

این هم حرف درستی است. در زمان الان شما نمی‌توانید حرف مولف را با مبانی اکنون بفهمید. باید خودتان را هم‌عصر مولف کنید. تقریباً حرفی که آقای شلایرماخر زد.

۳- می‌توان با بازسازی‌های تاریخی و اسناد تاریخی دنیای ذهنی مولف را بازسازی کرد و به فهم کامل‌تری از او رسید، حتی به فهمی برسیم که مولف هم به آن فهم نرسیده باشد.

در این دیدگاه نقد است که خواهیم گفت. ایشان می‌گویند ما حتی می‌توانیم به ناگفته‌های مولف هم راه پیدا کنیم.

۴- مفسر حق ندارد پیش‌فرض‌های ذهنی خودش را در تفسیر دخالت دهد.

این هم حرف درستی است. هرمنوتیک فلسفی که جلسه بعد می‌خواهیم توضیح دهیم که خطرناک است، برای همین است که آقایان هرمنوتیک فلسفی می‌گویند مولف مرده است. ببینید مفسر چه می‌گوید. با این نحو هر کس می‌تواند هر متنی را با برداشت غلطی انجام دهد. وقتی آقای دلتای می‌گوید حق ندارید پیش‌فرض را دخالت دهید. ما هم در این‌جا با ایشان هم‌نظر هستیم.

۵- آقای دلتای دستیابی به فهم و نیت و تاریخ آن زمان مولف را امکان‌پذیر می‌داند.

می‌گوید شما می‌توانید صددرصد نیت و فهم مولف را بفهمید و خودتان را به آن تاریخ ببرید.

### نقدهایی به نظریات آقای شلایرماخر و دلتای

اما نقدهایی می‌کنیم. آقای شلایرماخر! شما می‌گویید ما می‌توانیم فراتر از نویسنده و مولف شویم و می‌توانیم حتی آن چیزهایی را که نویسنده درک نکرد را ما درک کنیم. اگر چنین چیزی نباشد ممکن است ما چیزهایی را به نویسنده نسبت دهیم که اصلاً برای این فرد نباشد. باز هم استقلال متن از مولف می‌شود. یعنی ما داریم متن را طبق پیش‌فرض‌های خودمان تفسیر می‌کنیم و به مولف و مفاهیم و حرف‌هایی که مولف می‌زند آن‌چنان کاری نداریم.

آقای دلتای! این را بدانید که نمی‌توانیم به طور کلی خودمان را جای مولف قرار دهیم و در تاریخ سیر کنیم. امکان صددرصدی وجود ندارد. همین الان بین اساتید حدیث که مبانی شیخ طوسی و شیخ صدوق را نقد می‌کنند باز اختلاف نظر هست. یعنی خود آن‌ها هم نتوانستند خودشان را کامل به تاریخ مولف برسانند. پس امکان صددرصدی وجود ندارد.

دوم: خود رسیدن به فهم کامل و نیت و انگیزه مولف ممکن است تناقض پیش بیاورد. یکی ممکن است برداشتی از شیخ صدوق کند و کس دیگری برداشت دیگری کند و صدوهشتاد درجه با برداشت نفر اول متناقض باشد. پس نمی‌توانیم رها کنیم و نیازمند یک سری قوای هستی که بر مبنای آن بتوانیم تطبیق‌ها و تفسیرها را بسنجیم و گرنه هرکسی برای خودش نظر می‌دهد و می‌گوید نظر من درست است. ولی دلتای این مبانی و راه‌ها را خیلی خوب نشان نداد و این نقدهایی به هرمنوتیک رمانتیک آقای دلتای هست.

انشالله در جلسه بعد از مهمترین و خطرناکترین بحث که هرمنوتیک فلسفی هست را توضیح خواهیم داد.